

جایگاه سرمایه اجتماعی در پدافند غیرعامل

محسن نیازی^۱، الهام شفافی مقدم^۲، زینب پروری آرانی^۳

چکیده

در این مقاله، به بررسی جایگاه سرمایه اجتماعی در پدافند غیرعامل پرداخته شده است. این مطالعه از نوع پیمایش اجتماعی بوده و داده‌های تحقیق با استفاده از تکنیک پرسشنامه توأم با مصاحبه جمع‌آوری گردیده است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه شهروندان ۱۵-۶۵ سال شهرستان‌های کاشان و آران و بیدگل می‌باشد که با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران تعداد ۳۸۰ نفر به‌عنوان نمونه تحقیق تعیین و با استفاده از روش سهمیه‌ای انتخاب و بررسی شده‌اند. در این مطالعه مفهوم سرمایه اجتماعی با ترکیبی از ابعاد و مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، آگاهی اجتماعی و مشارکت اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق بیانگر این امر است در مجموع، میزان سرمایه اجتماعی ۳۳/۲ درصد پاسخگویان در سطح بالا، ۳۸/۷ درصد در حد متوسط و ۲۸/۲ درصد از آن‌ها در حد پایین می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: سرمایه اجتماعی، پدافند غیرعامل، جنگ نرم.

۱. استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه کاشان / niazim@kashanu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری بررسی مسایل اجتماعی ایران دانشگاه کاشان / e.shafaii@grad.kashanu.ac.ir

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی دانشگاه کاشان / zparvari@yahoo.com

مقدمه

مفهوم سرمایه اجتماعی در سال‌های اخیر در حوزه‌های گوناگون علوم اجتماعی، اقتصاد و اخیراً در علوم سیاسی مطرح شده است. سرمایه اجتماعی عبارت از ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی است که می‌توانند حس همکاری و اطمینان را در میان افراد یک جامعه پدید آورند. در این میان نباید از نقش نهادهای مدنی و دمکراتیک و نیز نقش دولت در گشودن چنین فضاهایی غافل شد. به هر روی، یکی از ابعاد مهم هر توسعه‌ای توجه به سرمایه‌های اجتماعی است. از این‌رو، سرمایه اجتماعی یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های رشد و توسعه هر جامعه به شمار می‌آید.

در دیدگاه‌های سنتی مدیریت توسعه، سرمایه‌های اقتصادی، فیزیکی و نیروی انسانی مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کردند، اما در عصر حاضر برای توسعه بیشتر از سرمایه اقتصادی، فیزیکی و انسانی به سرمایه اجتماعی نیازمندیم، زیرا بدون این سرمایه، استفاده از دیگر سرمایه‌ها به طور بهینه انجام نخواهد شد. در جامعه‌ای که فاقد سرمایه اجتماعی کافی است سایر سرمایه‌ها ابر می‌مانند و تلف می‌شوند. از این‌رو، موضوع سرمایه اجتماعی به عنوان یک اصل اساسی برای نیل به توسعه پایدار محسوب گردیده و حکومت‌ها و دولت‌مردانی موفق قلمداد می‌شوند که بتوانند با اتخاذ سیاست‌های لازم و ارائه راهکارهای مناسب در ارتباط با جامعه به تولید و توسعه سرمایه اجتماعی بیشتر نائل شوند.

از سوی دیگر، یکی از نیازهای بشر حفظ بقا است که راهبرد اصلی هر جامعه محسوب می‌شود. جوامعی که توانسته‌اند بقای خود را حفظ کنند، جوامعی بوده‌اند که توانایی پاسخ‌گویی به نیازها و تطابق با تغییر شرایط را داشته‌اند. بحران هویت، بحران انسجام و همبستگی، بحران مشروعیت، بحران مشارکت، بحران نفوذ، بحران اقتدار و بحران توسعه از جمله بحران‌ها و آسیب‌هایی است که می‌تواند کشورها را در دنیای امروز رسانه‌ها، مورد تهدید قرار دهد و اگر به آن رسیدگی نشود، مورد بهره‌گیری دشمن قرار می‌گیرد. در جهان امروز برای دفاع، لازم است به آسیب‌ها و بحران‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی توجه نمود تا این گونه مسائل مورد سوء استفاده دشمنان قرار نگیرد. در تهدیدات امروزی که دشمنان با پیچیده‌ترین سلاح‌های الکترونیکی و رسانه‌ای حضور می‌یابند، علاوه بر توان دفاعی نیروهای نظامی، مردم نیز نقش مؤثر و کارا دارند، چرا که در جنگ‌های نسل چهارم، مردم اولین کسانی هستند که توسط دشمن به صورت غیر مستقیم مورد تهدید قرار می‌گیرند، لذا شیوه‌های ایمن سازی افکار عمومی برای کاهش آسیب از زمینه‌های مورد توجه در پدافند غیر عامل است.

تجارب حاصله از جنگ‌های گذشته به خصوص هشت سال دفاع مقدس مؤید این نظر است که کشور مهاجم جهت در هم شکستن اراده‌ی ملت و توان سیاسی، اقتصادی و نظامی کشور مورد تهاجم با اتخاذ استراتژی انهدام مرکز ثقل، توجه خود را صرف بمباران و انهدام مراکز حیاتی، حساس و مهم می‌نماید.

امروزه کشورهایی که طعم خرابی و خسارات ناشی از جنگ را چشیده‌اند، جهت حفظ سرمایه‌های ملی و منابع حیاتی خود توجه خاص و ویژه‌ای به دفاع غیرعامل نموده و در راهبرد دفاعی خود جایگاه والایی برای آن قائل شده‌اند (موحدی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱ و ۲).

پدافند غیرعامل و استفاده از آن قدمتی به اندازه تاریخ بشر دارد. تاریخ زندگی انسان‌ها گویای این امر است که انسان‌ها در هر دوره‌ای از تاریخ به منظور کاهش خسارات محیطی و نیز در امان بودن از تهاجم دشمن از جاهای امن استفاده می‌نموده‌اند.

پدافند غیر عامل به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌گردد که مستلزم به کارگیری جنگ افزار نبوده و با اجرای آن می‌توان از وارد شدن خسارت مالی و تجهیزات و تأسیسات حیاتی و حساس نظامی و غیرنظامی و تلفات انسانی جلوگیری نموده و یا میزان این خسارات و تلفات را به حداقل ممکن کاهش داد (اسکندری، ۱۳۸۹: ۱۷).

سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی پدافند غیرعامل مطرح می‌باشد. از سوی دیگر، کاربست شیوه‌های پدافند غیرعامل، جدای از این که ضریب پایداری و کاهش آسیب‌پذیری را به همراه دارد، به عنوان مقوله‌ای فرهنگی در حوزه‌ی علوم اجتماعی نیز مطرح شده است. توجه به تهدیدات نوین دشمن با استفاده از رسانه‌ها، آسیب روحی و روانی به پیام‌گیران آن‌ها برای نفوذ گسترده‌تر در عرصه‌ی ارتباطات با حربه‌های ارتباطی، مورد توجه اکثر کشورهای با فرهنگ اصیل قرار گرفته است. این زمینه در کشور ما نیز مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفته است.

مباحث نظری

در این بخش، ابتدا مفهوم سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن مورد بحث قرار گرفته و پس از آن مباحثی در ارتباط با پدافند غیر عامل و سرمایه اجتماعی به عنوان مؤلفه اصلی این پدیده ارائه گردیده است.

سرمایه اجتماعی

اصطلاح سرمایه اجتماعی قبل از سال ۱۹۱۶، در مقاله‌ای توسط هانی فان از دانشگاه ویرجینیای غربی مطرح شد. اما اولین بار در سال ۱۹۶۱، کتابی در امریکا به وسیله شخصی به نام ژان ژاکوب نوشته شد که اصطلاح سرمایه‌ی اجتماعی را بکار برد و منظورش این بود که در حاشیه‌نشین‌های شهر، ویژگی‌ها و خصلت‌هایی وجود دارند که آن‌ها می‌توانند به خوبی با همدیگر ارتباط برقرار کنند و گروه‌هایی را تشکیل دهند که خودشان مسائل و مشکلاتشان را حل کنند. در اصل، در آنجا منظور از سرمایه‌ی اجتماعی، نوعی همکاری و هم‌فکری خودجوش و از درون گروه‌های محروم حاشیه نشین بود (توسلی، ۱۳۸۴: ۲).

بورديو برای اولین بار در سال ۱۹۷۳ سرمایه اجتماعی را این‌گونه تعریف کرد: سرمایه اجتماعی عبارت است از سرمایه ارتباطات اجتماعی که در صورت لزوم حمایت‌های مفید را ایجاد می‌نماید. سرمایه‌ای از

مقبولیت و احترام که غالباً زمانی که شخص می‌خواهد توجه مردم را در یک موقعیت اجتماعی مهم جلب نماید ضروری است و شاید مانند پول در حرفه سیاسی به کار آید. او بعداً این تعریف را اصلاح کرد و مطرح نمود سرمایه اجتماعی عبارت است از مجموع منابع فیزیکی یا غیر فیزیکی در دسترس فرد یا گروهی که دارای شبکه نسبتاً با دوامی از ارتباطات نهادینه شده با آشنایی‌های دو جانبه و محترم هستند (متقی، ۱۳۸۴: ۲۳). فلور و فلورا وجدان جمعی را به عنوان سرمایه اجتماعی می‌دانند و اعتماد متقابل را به مثابه شاخص وجدان جمعی معرفی می‌کنند. کاواچی و همکارانش عقیده دارند سرمایه اجتماعی میزان همگونی توزیع سلامت در نواحی جغرافیایی یک منطقه است (سعادت، ۱۳۸۷: ۳).

به نظر فوکویاما، سرمایه اجتماعی مجموعه معینی از هنجارها و یا ارزش‌های غیر رسمی است که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است در آن سهیم هستند. این هنجارها زمانی تولید سرمایه اجتماعی می‌کند که شامل سجایای مثبت از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دو جانبه باشد. به نظر او سرمایه اجتماعی می‌تواند مثبت و منفی باشد، به عنوان مثال گروه‌های مافیایی که در تضاد با منافع و ارزش‌های اکثر جامعه هستند از سرمایه اجتماعی منفی برخوردارند (بهباد، بی‌تا). از نظر رابرت پاتنام منظور از سرمایه اجتماعی، وجوه گوناگون سازمان‌های اجتماعی نظیر اعتماد، هنجار و شبکه‌ها است که می‌توانند با ایجاد و تسهیل امکانات هماهنگی، کارایی جامعه را بهتر کنند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۲۷۸).

پوتنام بین دو شکل اساسی سرمایه اجتماعی پیوند دهنده (شمول آور) و محدودکننده (انحصاری) تمایز قائل شده است. سرمایه اجتماعی الزام آور تمایل دارد که هویت‌های انحصاری و همگنی را حفظ کند و سرمایه اجتماعی پیوند دهنده افراد را از بخش‌های مختلف اجتماعی کنار هم جمع می‌کنند (نوغانی و اصغرپور ماسوله، ۱۳۸۷: ۳۸).

امروزه در جهان توسعه یک کشور در کنار انواع سرمایه (اعم از طبیعی، انسانی و مادی)، سرمایه اجتماعی به عنوان برون داد توسعه به شمار می‌آید. جامعه مدنی که در سال‌های اخیر به طور قابل ملاحظه‌ای کانون توجه نظریه پردازی‌های مردم‌سالاری بوده است در مقیاس وسیعی محصول سرمایه اجتماعی است. از طرفی نیز سرمایه اجتماعی را ماده خام جامعه مدنی دانسته‌اند. سرمایه اجتماعی زیر مجموعه سرمایه انسانی نیست. زیرا این سرمایه متعلق به گروه‌هاست و نه افراد. سرمایه انسانی معمولی مانند تحصیلات و مهارت را به تنهایی می‌توان کسب کرد، اما هنجارهایی که شالوده سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند در صورتی معنی دار است که بیش از یک نفر در آن سهیم باشد. سرمایه اجتماعی می‌تواند از دو نفر (که با هم همکاری دارند) تا یک ملت را در بر بگیرد (توسلی، ۱۳۷۹: ۴۳).

ساخت قدرت نیز از طریق آن چه طی سال‌های اخیر به نام حکمرانی وارد متون توسعه ای شده است بر موجودی سرمایه اجتماعی تأثیر می‌گذارد. شکل‌گیری سازمان‌های غیر دولتی مؤثر، وجود صداهای اعتراضی

و نقاد حاکمیت، وجود قوانینی که حقوق شهروندی افراد را به رسمیت بشناسد و تضمین بکند، پاسخگویی و مسئولیت پذیری، ثبات سیاسی و نبود خشونت، و نظام اداری قوی و سالم جنبه های مختلفی از یک ساخت قدرت کارآمد توسعه خواه است که بر میزان همکاری گروهی بین افراد با یکدیگر، اعتماد افراد به حکومت و به همدیگر و همین طور تخلفات اداری و مالی تأثیر می گذارد. دولت از طریق وضع قوانینی چون حقوق مالکیت، فضای مطمئنی برای کسب و کار خصوصی فراهم می کند، از دل شوره ها و نگرانی ها می کاهد و بدین صورت هم بر سطح اعتماد جامعه به دولت می افزاید و هم اعتماد افراد به یکدیگر را تقویت می کند. علاوه بر این، همان گونه که پیتر ایوانز (۱۳۸۰) با استفاده از مفهوم «هم افزایی» نشان می دهد، دولت ها با استفاده از توانمندی های بخش خصوصی می توانند پروژه های مشترکی را اجرا کنند که ضمن کاهش هزینه ها، آثار مثبتی چون تقویت همکاری و اقدام جمعی در جهت نیل به اهداف توسعه ای را نیز در پی داشته باشد (دینی ترکمانی، ۱۳۸۵: ۱۵۱-۱۵۰).

برخی عناصر اصلی سرمایه اجتماعی عبارت از آگاهی به امور عمومی، سیاسی و اجتماعی، اعتماد عمومی و اعتماد نهادی، مشارکت غیر رسمی همیارانه، مشارکت غیررسمی خیریه ای، مشارکت غیررسمی مذهبی، شرکت در اتحادیه ها، انجمن ها، سازمان ها و مؤسسات مدنی رسمی. با این وجود، مؤلفه های اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی که در یک رابطه متعامل قرار گرفته و هر کدام تقویت کننده دیگری هستند، از مؤلفه های اصلی سرمایه اجتماعی محسوب می شوند. این سه مؤلفه از مفاهیم کلیدی جامعه شناسی نیز به شمار می آیند.

۲-۱-۱. اعتماد اجتماعی

اعتماد لازمه شکل گیری پیوندها و معاهدات اجتماعی است. اعتماد اجتماعی ایجاد کننده تعاون و همیاری است و فقط در این حالت است که در عین وجود تفاوت ها، قادر به حل مشکلات و انجام تعهدات اجتماعی می شویم. اعتماد اجتماعی برگرفته از عدالت، برابری و امنیت اجتماعی نیز زاینده آن ها می باشد. آنتونی گیدنز، اعتماد و تأثیر آن بر فرآیند توسعه را زیربنا و زمینه ساز اصلی در جوامع مدرن می داند، هر جا که سطح اعتماد اجتماعی بالا باشد مشارکت و همیاری مردم در عرصه های اجتماعی بیشتر و آسیب های اجتماعی کمتر است (اکبری، ۱۳۸۳: ۱۱).

بی اعتمادی پدیده ای روان شناختی است که فرد اطمینان به خود را از دست می دهد و به ناتوانی خود اذعان دارد. این روند از نقطه نظر کلان به بی اعتمادی در سطوح ملی می رسد. پدیده بی اعتمادی توان حرکت و خلاقیت را از خود می گیرد و او را به موجودی بی تحرک و خنثی تبدیل می کند. همچنین، بحران سیاسی؛ اقتصادی و اجتماعی در سطح جامعه و فراگیر شدن آن باعث بی اعتمادی افراد و نیز موجب سلب اعتماد افراد نسبت به همدیگر و مجموعه آن ها نسبت به جامعه می شود و اتحاد و پیوستگی ملی به قیمت کسب امنیت

فردی به خطر جدی می‌افتد. شدت چنین وضعیتی نزول معیارهای اخلاقی فرد و نادیده گرفتن معیارهای جمعی و در نهایت تجاوز به حقوق دیگران حتی به صورت آشکار به صورت باج‌گیری‌های مختلف است (اکبری، ۱۳۸۳: ۱۲).

۲-۱-۲. انسجام اجتماعی

از دیدگاه جامعه‌شناختی، انسجام و همبستگی پدیده‌ای است که بر اساس آن «در سطح یک گروه یا یک جامعه، اعضا به یکدیگر وابسته و به‌طور متقابل نیازمند یکدیگر هستند. این امر مستلزم طرد آگاهی و نفی اخلاقی مبتنی بر تقابل و مسئولیت نیست، بلکه دعوت به احراز و کسب این ارزش‌ها و احساس الزام متقابل است» (بیرو، ۱۳۷۰: ۴۰۰). انسجام اجتماعی را می‌توان به احساس یکپارچگی افراد جامعه، روابط دوستانه و محبت‌آمیز، میزان روابط اجتماعی و تعامل‌های گروهی بر اساس ارزش‌های مشترک و منسجم تعریف نمود (نیازی، ۱۳۸۳: ۶). به عبارتی دیگر، انسجام دلالت بر توافق جمعی میان اعضای یک جامعه دارد. «انسجام در کل ناظر بر میزان و الگوی رابطه متقابل بین کنشگران، گروه‌ها و خرده‌فرهنگ‌های تمایز یافته است» (افروغ، ۱۳۷۸: ۱۴۰).

دورکیم به نقش انسجام اجتماعی در گسترش و تقویت ارتباطات اجتماعی اشاره نموده و معتقد است «هر چه اعضای یک جامعه همبسته‌تر باشند، روابط گوناگون خود را با یکدیگر یا در حالت دسته‌جمعی با گروه بیشتر حفظ می‌کنند» (آبراهامز، ۱۳۶۹: ۱۹۶). از نظر دورکیم انسجام اجتماعی می‌تواند وحدت، سلامت و یکپارچگی گروه را تأمین کند. به نظر وی «هر جا که این همبستگی نیرومندتر باشد بر میزان روابط متقابل میان آنان می‌افزاید و برعکس، هر چه میزان همبستگی کمتر باشد از تنوع روابط و برخوردهای میان افراد جامعه کاسته خواهد شد» (تنهایی، ۱۳۷۴: ۱۳۳).

۲-۱-۳. مشارکت اجتماعی

آلن بیرو مشارکت را به معنای «سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن» تعریف کرده است (بیرو، ۱۳۷۰: ۲۵۷). از دیدگاه یومال «مشارکت در مفهوم گسترده‌اش برانگیختن حساسیت مردم و در نتیجه به معنی افزایش درک و توان آنان برای پاسخگویی به طرح‌های توسعه و نیز به معنای تشویق ابتکارات محلی است» (پاتریک، ۱۳۷۴: ۱۱۹).

گالت مشارکت مردمی را به عنوان جزء حیاتی استراتژی‌های توسعه دانسته و آن را واجد سه عملکرد عمده می‌داند. از دیدگاه وی، مشارکت اجتماعی اولاً نحوه برخورد غیر ابزاری دولت با مردم و احساس ارزشمندی را تضمین می‌کند. ثانیاً، مشارکت به عنوان وسیله ارزشمندی برای بسیج و سازماندهی و تعالی بخشیدن به فعالیت‌ها توسط خود مردم به عنوان حلال اصلی مشکلات در شرایط اجتماعی خود به شمار

می‌رود. علاوه بر آن، مشارکت به مانند کانالی عمل می‌کند که گروه‌ها و جوامع محلی می‌توانند از طریق آن به عرصه‌های کلان و بزرگ‌تر تصمیم‌گیری دسترسی پیدا کنند. از دیدگاه گالت، «بدون مشارکت، تدبیرهای توسعه هم غیرمردمی و هم بی‌نتیجه خواهد بود» (گالت، ۱۹۹۵: ۱۰۱). آنتونی هال و جیمز میدگلی معتقدند حجم وسیع و رو به گسترش تحقیقات در زمینه مشارکت بیانگر این امر است که نزد بسیاری از نظریه‌پردازان، مشارکت به عنوان یک مقوله اعتقادی و پیش‌نیاز هر طرح یا برنامه موفقیت‌آمیز برای بهبود زندگی مردم و توسعه اجتماعی مطرح است (هال و میدگلی، ۱۹۸۸: ۹۱). بوکلند مشارکت را به عنوان زیربنای پیشرفت جامعه و از شرایط لازم برای توسعه اجتماعی قلمداد نموده است. از دیدگاه وی «مشارکت جزء اساسی و لاینفک توسعه به شمار آمده و در غیاب آن طرح‌ها و برنامه‌های توسعه با شکست مواجه می‌گردند» (بوکلند، ۱۹۹۸: ۱).

۲-۱-۴. آگاهی اجتماعی

آگاهی و شناخت به ویژه در دنیای مدرن نقش فوق‌العاده‌ای در زندگی بشر ایفا می‌کند. امروزه دانایی و اطلاعات به عنوان سرمایه‌ای عظیم در تحولات اجتماعی نقش آفرین شده و روز به روز ابعاد گسترده‌ای پیدا می‌کند، تا جایی که کسب آگاهی به عنوان یکی از عوامل مهم دستیابی جوامع به سرمایه اجتماعی قلمداد می‌شود. آگاهی پیش شرط شناختی ضروری و شکل فعال‌تر مسئولیت مدنی است که باعث علاقمندی و دل‌نگرانی می‌شود. نقطه مقابل آگاهی، وضعیت شناختی چشم‌پوشی، بی‌تفاوتی و شکل‌گیری نگرش فرصت‌طلبانه است (فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۲۸).

پدافند غیرعامل

آفند در لغت به معنای «جنگ و خصومت» است (دهخدا، ۱۳۷۲: ۱۲۶) و در واژگان نظامی معنای تهاجم را نیز داراست. «پد» از پیش واژگانی است که به کلمات معنای ضد و متضاد می‌دهد. بنابراین پدافند را می‌توان «دفاع» معنا کرد. همچنین، واژه عامل واژه‌ای عربی و به معنای «کارکننده» است.

واژه غیر عامل با ترکیب «غیر» ساخته شده است و «غیر» در زبان فارسی به معنی «نا» و «بی» است که چون بر سر اسم یا صفتی بیاید، آن را منفی می‌کند (دهخدا، ۱۳۷۲: ۱۴۹۰۱) و در اصطلاح نظامی به معنای دفاع غیر نظامی است.

در بند اول سیاست‌های کلی نظام در خصوص پدافند غیر عامل که مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌باشد. این‌گونه تعریف شده است: «تأکید بر پدافند غیر عامل که عبارت است از مجموعه اقدامات غیر مسلحانه که موجب افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری، تداوم فعالیت‌های ضروری، ارتقای پایداری ملی و تسهیل مدیریت بحران در مقابل تهدیدات و اقدامات نظامی دشمن می‌گردد» (اسکندری، ۱۳۸۹: ۲۰ و ۲۱).

پدافند غیرعامل، در سال‌های اخیر به عنوان شیوه‌ای برای دفاع غیر مسلحانه در برابر حملات دشمن، ساختاری سازمانی یافته و نهادینه شده است. توجه به شکل تهدید و نفوذ از گذشته تا به امروز، می‌تواند دلیل توجه به پدافند غیر عامل را به عنوان یک مقوله‌ای فرهنگی به خوبی نشان دهد. در پدافند غیرعامل سلاح و روش‌های دفاع نظامی بکار نمی‌آید و این محافظت یا دفاع که ابعاد آن به مراتب وسیع‌تر از دفاع عامل است، باید ملاک عمل قرار گیرد. در این روش، باید شیوه‌ها، ابعاد گوناگون و گستره وسیع تهدیدات، تهاجم و حمله دشمن مورد بررسی قرار گرفته و برای تک تک آن‌ها با ارائه بهترین راهکارها چه قبل از وقوع و چه در حین وقوع، تدبیر نمود.

پدافند غیرعامل به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌گردد که مستلزم به‌کارگیری جنگ افزار نبوده و در واقع صلح‌آمیزترین و معقول‌ترین روش دفاعی است که کاهش خسارات مالی به تجهیزات و تأسیسات حیاتی و حساس نظامی و غیرنظامی و تلفات انسانی را به دنبال دارد. از آن جا که کشور عزیزمان ایران، یکی از مهم‌ترین اهداف آمریکا، استکبار غرب و صهیونیست‌ها می‌باشد، لزوم توجه به حفظ سرمایه‌های ملی در حوزه‌های مختلفی نظیر دفاع، صنعت، انرژی، مالی و اقتصادی، بهداشت، اطلاعات، ارتباطات و امنیت دوچندان می‌شود. با یک رویکرد ملی و فنی به مقوله پدافند غیرعامل مشخص می‌شود این حوزه ماهیت بین رشته‌ای داشته و از سوی دیگر پدافند غیرعامل شامل مقولاتی نظیر ملاحظات و معیارهای فنی و مهندسی، امنیتی، اطلاعاتی، اطلاع رسانی، آموزش، فرهنگ‌سازی و مانند آن‌ها می‌شود (موحدی نیا، ۱۳۸۹: ۴).

سرمایه اجتماعی به مثابه پدافند غیر عامل

با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین شاخص‌های جنگ نرم کاهش اعتماد اجتماعی است. می‌توان افزایش اعتماد اجتماعی در بین افراد جامعه را به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های پدافند غیر عامل دانست. در جنگ نرم تلاش می‌شود با کاهش اعتماد افراد به آداب و رسوم و قوانین جامعه خود و شکل دادن جهل عمومی، نوعی رفتار ناآگاهانه، عادت گونه و گله ای شکل داده شود. در چنین حالتی، افراد تحت القاءات سردمداران غربی، بدون دلیل منطقی و آگاهی (به علت پیروی اکثر افراد یا تکرار بیش از اندازه یک هنجار) به صورت کورکورانه به هنجارهای مورد علاقه و تبلیغ شده غرب عادت می‌کنند. در چنین حالتی است که افراد، مستعد سوء استفاده و سوق داده شدن به هر مسیری می‌شوند. علاوه بر این، هنجارها نیز پایداری خود را از دست داده، به سرعت تغییر می‌یابند. زمانی جنگ نرم وارد خطرناک‌ترین مرحله خود می‌شود که طراحان آن با استفاده از ابزارهای مختلف جنگ نرم، به تولید موج فشار هنجاری می‌پردازند و این فشار را با پیوندهای احساسی عمیق همراه کرده، از آن برای اهداف مضر خود استفاده می‌کنند (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۷۸). در واقع، درونی کردن هنجارهای غربی، از راهکارهایی است که در جنگ نرم مورد استفاده قرار می‌گیرد.

علاوه بر این، نوعی دیگر از خودبیگانگی که طراحان جنگ نرم تلاش دارند آن را برای جامعه هدف به وجود آورند، انزوا و کاهش انسجام و همبستگی اجتماعی است. این راهکار بیشتر برای روشنفکران جامعه هدف به کار می‌رود. هدف در این راهکار، جدا کردن روشنفکران از معیارهای فرهنگ مردم است؛ به گونه ای که روشنفکر از خود، فرهنگ و جامعه اش بیگانه شود. روشنفکر منزوی از جامعه، برای هدف‌ها یا باورهایی که در جامعه نوعاً بسیار معتبر است، ارزش پاداشی کم قائل می‌شود.

به طور کلی، جنگ نرم سه بعد اساسی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را در بر می‌گیرد (نائینی، ۱۳۸۹: ۲۲-۲۱). بعد فرهنگی مهم‌ترین بعد جنگ نرم است. تهاجم فرهنگی، مقدمه جنگ نرم به شمار می‌آید؛ زیرا عاملان جنگ نرم در پی آن هستند تا با استفاده از سازوکارها و روش‌های فرهنگی، بر ارزش‌های بنیادی جامعه (ارزش‌هایی مانند خدامحوری، دشمن ستیزی، عدالت خواهی، خودباوری، ولایت مداری و...)، نگرش‌های پایه (مانند نگرش به بیگانگان، نگرش به نوع حکومت، نگرش به نوع روابط اجتماعی و...)، ترجیحات اساسی (مانند ترجیحات اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و...) و آداب و رسوم، منش و رفتار اجتماعی تأثیر بگذارند و آن را دست‌خوش تغییر قرار دهند و نتیجه جنگ نرم فرهنگی، استحاله فرهنگی و تغییر هویت است.

بعد سیاسی نیز که یکی از مهم‌ترین ابعاد جنگ نرم را تشکیل می‌دهد شامل بی‌اعتمادی و یا کاهش اعتماد مردم به حکومت و نهادهای سیاسی جامعه می‌باشد. همچنین، از جمله مؤلفه‌های بعد اجتماعی جنگ نرم، کنش‌های اجتماعی، روابط و تعاملات، آداب و رسوم و رفتارهای جمعی است. عاملان جنگ نرم در پی آن هستند تا بر هویت مردم جامعه، انسجام اجتماعی، روحیه ملی، سرمایه اجتماعی، الگوهای رفتاری، دلبستگی ملی و... تأثیر بگذارند.

روش تحقیق

این پژوهش از نوع پیمایش اجتماعی بوده و داده‌های تحقیق با استفاده از تکنیک پرسشنامه توأم با مصاحبه جمع‌آوری گردیده است. پس از جمع‌آوری داده‌ها و ورود آن‌ها به کامپیوتر، با استفاده از نرم افزار SPSS و محاسبات آماری مربوطه، رابطه بین متغیرهای تحقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری تحقیق شامل کلیه شهروندان شهرستان‌های کاشان و آران و بیدگل در سال ۱۳۹۰ می‌باشد. با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران تعداد ۳۸۰ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین گردیده است. با توجه به تناسب جمعیت شهرستان‌های کاشان و آران و بیدگل، پاسخگویان با استفاده از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

یافته‌های تحقیق

در این بخش یافته‌های پژوهش در ارتباط با مشخصات فردی پاسخگویان و میزان سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن ارایه گردیده است.

۵-۱. مشخصات فردی پاسخگویان

بر اساس یافته‌های پژوهش، ۴۸/۸ درصد جامعه آماری زن و ۵۱/۲ درصد مرد می‌باشند. سن ۱۶/۱ درصد از پاسخگویان کمتر از ۲۰ سال، ۴۲/۱ درصد ۲۰-۲۹ سال، ۲۳/۴ درصد ۳۰-۳۹ سال، ۱۱/۸ درصد ۴۰-۴۹ سال و ۴/۷ درصد ۵۰ سال و بیشتر داشته‌اند. از مجموع افراد مورد بررسی، ۶۱/۷ متأهل و ۳۸/۳ درصد مجرد می‌باشند. همچنین، ۴۳/۵ درصد شاغل، ۲۵ درصد خانه دار، ۵/۴ درصد بیکار، ۲/۷ درصد بازنشسته و ۲۳/۱ درصد محصل بوده‌اند. علاوه بر آن ۱۰/۵ درصد از پاسخگویان پایگاه اقتصادی و اجتماعی خود را در سطح پایین، ۷۴/۷ درصد متوسط و ۱۴/۸ درصد در حد بالا ارزیابی نموده‌اند.

سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن

در این پژوهش برای سنجش میزان مشارکت اجتماعی (مشارکت ذهنی و مشارکت عینی)، اعتماد اجتماعی و انسجام اجتماعی پاسخگویان از پژوهش غفاری (۱۳۸۰) استفاده شده است. همچنین، میزان آگاهی اجتماعی شهروندان بر اساس میزان مطالعه روزنامه و کتب و استفاده از اخبار رادیو و تلویزیون با (علیخواه، ۱۳۸۳: ۱۵۶)، مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش در ارتباط با هر یک از متغیرهای فوق در جدول زیر ارایه گردیده است.

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی و درصدی میزان سرمایه اجتماعی پاسخگویان و هر یک از مؤلفه‌های آن

متغیرها	میزان	فراوانی	درصد
مشارکت اجتماعی	پایین	۱۱۴	۳۰/۳
	متوسط	۱۹۲	۳۹/۷
	بالا	۵۵	۳۰/۳
آگاهی اجتماعی	پایین	۱۰۲	۲۶/۸
	متوسط	۹۹	۲۶/۱
	بالا	۱۴۲	۴۷/۱
انسجام اجتماعی	پایین	۹۲	۲۴/۲
	متوسط	۱۳۶	۳۵/۸
	بالا	۱۱۵	۴۰/۰
اعتماد اجتماعی	پایین	۱۳۱	۳۵/۲
	متوسط	۱۵۳	۴۰/۸
	بالا	۵۹	۲۴

۲۸/۲	۱۰۷	پایین	سرمایه اجتماعی
۳۸/۷	۱۴۷	متوسط	
۳۳/۲	۸۹	بالا	

یافته‌های تحقیق بیانگر این امر است که میزان مشارکت اجتماعی ۳۰/۳ درصد پاسخگویان در حد بالا، ۳۹/۷ درصد پاسخگویان در حد متوسط و ۳۰ درصد در حد پایین می‌باشند. بنابراین مشارکت اجتماعی در اکثر پاسخگویان ۳۹/۷ درصد در حد متوسط می‌باشد. همچنین، میزان آگاهی اجتماعی ۲۶/۸ درصد پاسخگویان در حد پایین، ۲۶/۱ درصد در حد متوسط و ۴۷/۱ درصد در حد بالا می‌باشد. بر اساس یافته‌های پژوهش، ۴۰ درصد پاسخگویان دارای انسجام اجتماعی در حد بالا، ۳۵/۸ درصد در حد متوسط و ۲۴/۲ درصد در حد پایین می‌باشد. علاوه بر این، ۲۴ درصد شهروندان دارای میزان اعتماد اجتماعی در حد بالا، ۴۰/۸ درصد دارای اعتماد اجتماعی در حد متوسط و ۳۵/۲ درصد دارای اعتماد اجتماعی در حد پایین می‌باشند. در مجموع، میزان سرمایه اجتماعی ۳۳/۲ درصد پاسخگویان در سطح بالا، ۳۸/۷ درصد در حد متوسط و ۲۸/۲ درصد از آن‌ها در حد پایین می‌باشد.

نتیجه گیری و پیشنهادات

امروزه مشارکت اجتماعی به عنوان عامل اساسی توانمندی افراد و جوامع مورد توجه قرار گرفته است. دین مبین اسلام همواره مسلمانان و مؤمنان را به حضور در عرصه‌های اجتماعی فراخوانده است. در این زمینه، قرآن کریم با بیان «تعاونوا علی البر و التقوا؛ ولا تعاونوا علی الاثم و العداون»، تعاون و مشارکت در انجام امور خیر و مفید برای جامعه را امر فرموده است. مشارکت افراد انسانی را از حاشیه نشینی در امور اجتماعی به متن پوشش‌های اجتماعی کشانیده و از خودبیگانگی افراد جلوگیری می‌کند. بر این مبنای شکل-گیری پدیده مشارکت، انسان‌ها در سرنوشت خود سهیم گردیده و احساس توانمندی بالایی در اداره امور پیدا می‌کنند. در جامعه‌ای که تنها اقلیت معدودی تصمیم‌گیری نموده و مردم از دخالت در سرنوشت خود باز داشته می‌شوند، اغلب مردمان در حاشیه قرار گرفته و در واقع سرنوشت خود دخالتی ندارند. با توجه به نقش سرنوشت ساز و حیاتی پدیده مشارکت در فرایند اجتماعی، مشارکت اجتماعی نقش بسیار بارزی در مبارزه با عناصر مخل نظام اجتماعی ایفا می‌نماید و بر این مبنای، به عنوان مؤلفه‌ی اساسی پدافند غیر عامل محسوب می‌گردد.

امروزه آگاهی به عنوان ویروس اساسی حیات انسانی مورد توجه قرار گرفته است. در واقع، دانایی و آگاهی منبع اساسی قدرت و توانمندی محسوب گردیده و بالعکس، عدم آگاهی، فرد انسانی و جامعه انسانی را از مدار قدرت و توانمندی خارج می‌نماید. توجه به عنصر دانایی از دیرباز مورد توجه اندیشمندان قرار

گرفته است. بیان حکیم فردوسی تحت عنوان «توانا بود هر که دانا بود» بیانگر توانمندی دانایی است. در عصر جدید، اروین تافلر در کتاب موج سوم، توانایی انسان‌ها و جوامع را به اندازه دانایی آن‌ها قلمداد نموده است. بر این مبنا، جامعه مستحکم و مقاوم نیازمند انسان‌های توانمند است و دانایی که آگاهی اجتماعی عنصر اساسی این توانمندی محسوب می‌گردد. انسان‌های آگاه فریب دشمنان را نخورده و طمع طمع‌کاران را نقش بر آب می‌سازند. بر این مبنا، لازم است آگاهی اجتماعی به عنوان مؤلفه‌ی کلیدی پدافند غیر عامل مورد توجه قرار گیرد.

پدیده انسجام و همبستگی اجتماعی مهم‌ترین مسأله وحدت و اتحاد بین مردم جامعه را دربر می‌گیرد. بحث انسجام از دیرباز مورد توجه جامعه‌شناسان قرار گرفته است. ابن خلدون در بحث انسجام اجتماعی که از آن به عصیبت تعبیر نموده است، عصیبت را مایه قوام و دوام جامعه دانسته و معتقد است تضعیف و نابودی عصیبت به فروپاشی نظام اجتماعی منجر می‌گردد. همچنین، امیل دورکیم از بنیانگذاران جامعه‌شناسی، انسجام اجتماعی را پایه و مایه‌ی اصلی نظم و ثبات اجتماعی قلمداد نموده است. بر این مبنا، لازم است بحث انسجام اجتماعی به عنوان پایه‌ی اصلی پدافند غیرعامل مورد توجه جدی قرار گیرد، چرا که انسجام اجتماعی و همبستگی و اتحاد مردم جامعه رمز اصلی مقاومت در برابر نقشه‌های دشمنان جامعه محسوب می‌گردد.

میزان اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از شاخص‌های اساسی تحلیل وضعیت اجتماعی و فرهنگی جامعه محسوب می‌گردد. در جامعه‌ای که اعتماد اجتماعی مردم به یکدیگر در حد پایین باشد، استحکام آن جامعه در برابر عوامل تفرقه برانگیز پایین بوده و مقاومت کمتری در برابر تهدیدات دشمنان دارند. از سوی دیگر، میزان اعتماد اجتماعی در حد بالا نشان از بالا بودن چسب اجتماعی و مشروعیت اجتماعی و فرهنگی ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در بین مردم داشته و وفاداری مردم نسبت به جامعه را افزایش می‌دهد.

مفهوم سرمایه اجتماعی با ترکیبی از ابعاد و مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، آگاهی اجتماعی و مشارکت اجتماعی به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های ارتقاء شخصیت انسانی و توسعه اجتماعی به مثابه پدافند غیرعامل محسوب می‌گردد. با ارتقاء میزان سرمایه اجتماعی شهروندان بخش وسیعی از فرایند مقاوم سازی نیروی انسانی و اجتماعی جامعه در برابر ترفندها و شیوه‌های تخریبی نظام اجتماعی خنثی گردیده و بالعکس، توانمندی اجتماعی در مواجهه با مسایل و مشکلات درونی و خارجی جامعه تأمین می‌گردد.

با توجه به نتایج پژوهش حاضر، موارد ذیل به عنوان راهکارهای اساسی ارتقاء سرمایه اجتماعی شهروندان و مقاوم سازی آنان در برابر جنگ نرم دشمنان ایران اسلامی به عنوان مهم‌ترین ارکان پدافند غیر عامل پیشنهاد می‌گردد.

۱- با توجه به اهمیت تعاون و مشارکت در دین مبین اسلام و نقش مشارکت‌های واقعی مردم در پیشگیری

از حاشیه نشینی و بیگانگی اجتماعی و سیاسی و نیز اهمیت آن در توانمند سازی شهروندان، لازم است در بخش‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه زمینه حضور فعال، مستمر و آگاهانه و مبتنی بر منافع جمعی و ملی شهروندان در قالب شکل‌های مردمی فراهم گردد.

۲- لازم است با تقویت مبانی انسجام و همبستگی اجتماعی، ارتقاء ویژگی‌های عام‌گرایی و گرایش به خیر همگانی و منافع عمومی اجتماعی، گرایش به اتحاد و یکپارچگی در بین مردم که در واقع به منزله‌ی چسب اجتماعی قلمداد می‌گردد را تقویت نمود. حضرت امام خمینی رحمه‌الله علیه اتحاد را رمز پیروزی قلمداد فرموده است. بر این مبنا، گسترش و تعمیق انسجام و همبستگی اجتماعی از اهداف اساسی حفظ و استحکام نظام اسلامی به شمار می‌آید. این امر به منزله تقویت قدرت و توانمندی مردم در مقابله با اهداف روانی و اجتماعی جنگ نرم دشمنان انقلاب محسوب گردیده و به ارتقاء قدرت ملی منجر می‌گردد.

۳- از آنجا که نگرش‌های افراد و جامعه زمینه‌ی اقدام و عمل اجتماعی را فراهم می‌آورند، نوع نگرش شهروندان در زمینه‌ی احساس تعلق به جامعه و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نقش بسیار مؤثری در فعالیت‌های مشارکتی آنان ایفا می‌کنند. بر این مبنا لازم است موضوع مشارکت اجتماعی و فرهنگی مردم و اهمیت و نقش آن در ارتقاء کیفیت زندگی اجتماعی و سرمایه اجتماعی و فرهنگی توسط رسانه‌های گروهی و به ویژه سیمای جمهوری اسلامی ایران تبیین گردیده و جهت اشاعه آن برنامه ریزی لازم به عمل آید.

۴- آگاهی اجتماعی در افزایش هوشیاری شهروندان در مقابل توطئه‌های بیگانگان نقش کلیدی ایفا می‌کند. متقابلاً جهل و ناآگاهی عمومی مهم‌ترین نقطه‌ی نفوذ دشمنان قرار گرفته و دشمنان با اتکاء به ناآگاهی و جهل مردم به منافع و ذخائر جامعه طمع ورزیده و اهداف خود را دنبال می‌نمایند. نتایج ناآگاهی مردم در تاریخ صدر اسلام در جنگ احد و جنگ صفین و ضربات زیان بار آن بر جامعه اسلامی روشن می‌باشد. همچنین در داستان اسب تروا به خوبی نتایج عدم هوشیاری در برابر دشمنان نشان داده شده است. بر این مبنا، در دنیای پیچیده امروز، قوام و استحکام جامعه منوط به داشتن شهروندانی است که آگاه و آشنا با مسایل روز اجتماعی و فرهنگی باشند. بر این اساس لازم است رسانه‌های گروهی به منزله‌ی شریان اجتماعی در جهت کشف حقایق و ارتقاء آگاهی‌های اجتماعی و فرهنگی برای شهروندان اقدام نمایند.

۵- موضوع انسجام و همبستگی اجتماعی از دیر باز مورد توجه مصلحان و متفکران اجتماعی قرار گرفته است. ابن خلدون از متفکران بزرگ اجتماعی قرن نهم و دهم هجری با تأکید بر موضوع اتحاد و همبستگی، عصیت اجتماعی مردم را عامل قوام جامعه و جلوگیری از انحطاط جامعه قلمداد نموده است. مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای با توجه به اهمیت والای انسجام و همبستگی در

جهت مقابله با نقشه های شوم دشمنان انقلاب و جهت تقویت جامعه دینی در نام گذاری سال ۱۳۸۴ این سال را با نام "همبستگی ملی و مشارکت عمومی" اعلام فرمودند. علاوه بر آن، معظم له، مجدداً سال ۱۳۸۶ را با عنوان اتحاد ملی و انسجام اسلامی اعلام فرمودند. با توجه به نقش بسیار مؤثر همبستگی اجتماعی لازم است دستگاه های اجرایی و نیز رسانه های کشور و به ویژه رسان ملی برنامه ریزی های لازم جهت تقویت روحیه انسجام، اتحاد و همبستگی ملی به عنوان رمز پیروزی جامعه اسلامی را سرلوحه برنامه های خود قرار داده و نسبت به این امر اهتمام ویژه ای داشته باشند.

یافته های تحقیق در زمینه اعتماد اجتماعی شهروندان بیانگر فزونی میزان اعتماد در سطح پایین نسبت به اعتماد زیاد در بین مردم جامعه می باشد. گسترش این روند از عوامل مخرب روابط اجتماعی قلمداد گردیده و موجب می گردد مردم به جای مشارکت و به فکر یکدیگر بودن، هر فردی به دنبال منافع فردی و خانوادگی و یا حزبی خود بوده و به اصطلاح گلیم خود را از آب بیرون بکشد. علاوه بر آن، در دنیای ارتباطات و با شکل گیری فرایند جهانی شدن، بسیاری از افراد جامعه به جای اعتماد به مردم جامعه خود، فرهنگ خود و کالاهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه خود، به بیگانگان چشم دوخته و آنان را مرجع ذهنی و فکری و رفتاری خود قرار دهند. این امر از آسیب های بسیار خطرناک برای جامعه محسوب می گردد، چرا که در واقع دشمن بدون هزینه و جنگ ظاهری، به اهداف خود رسیده است و جوان ایرانی همان گونه فکر می کند و می اندیشد که دشمن می خواهد و همان گونه عمل می کند که دشمن از او انتظار دارد. در این صورت، دشمن به اهداف خود در جنگ نرم دست یافته است.

منابع:

- آبراهامز، جی اچ (۱۳۶۹)، مبانی و رشد جامعه شناسی، ترجمه حسن پویان، جلد اول، تهران، انتشارات چاپخش.
- ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳)، توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، تهران: نشر نی.
- اسکندری، حمید (۱۳۸۹)، دانستی های پدافند غیر عامل (ویژه مدیران و کارشناسان ارشد)، بوستان حمید، چاپ اول، تهران.
- افروغ، عماد (۱۳۷۸)، خرده فرهنگ ها، مشارکت و وفاق اجتماعی، مجموعه مقالات وفاق اجتماعی و فرهنگ عمومی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- اکبری، امین (۱۳۸۳)، نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت، بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی، اجتماعی (مطالعه موردی روستای فارسنج از توابع سقز) دانشگاه علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- ایوانز، پیتر (۱۳۸۰)، توسعه یا چپاول، نقشه دولت در تحول صنعتی، ترجمه عباس زندباف و عباس مخبر، تهران، نشر طرح نو.

بهزاد، داوود (بی تا)، سرمایه اجتماعی بستری برای ارتقای سلامت روان. بیرو، آلن (۱۳۷۰)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقرساروخانی، تهران، انتشارات کیهان. پاتریک، جی بویل (۱۳۷۴)، برنامه‌ریزی در فرایند توسعه، ترجمه غلامرضا احمدی و سعید شهابی، تهران، نشر ققنوس.

تنهایی، حسین (۱۳۷۴)، درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، چاپ دوم، تهران، نشر مردنیز توسلی، غلامعباس؛ موسوی، مرضیه (۱۳۸۴)، مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۶، زمستان ۱۳۸۴

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲)، لغت نامه، جلد‌های ۱، ۹ و ۱۰، تهران، دانشگاه تهران
دینی ترکمانی، علی (۱۳۸۵)، تبیین افول سرمایه اجتماعی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳.

سعادت، رحمان (۱۳۸۷)، برآورد روند سرمایه اجتماعی در ایران (با استفاده از روش فازی). فیروزآبادی، سید احمد (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی و نقش آن در تشکلهای تولیدی، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، تهران، نشر آگاه

کوزر، لوئیس؛ روزنبرگ، برنارد (۱۳۷۸)، نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی، ترجمه فرهنگ ارشاد، نشر نی. موحدی‌نیا، جعفر (۱۳۸۹)، اصول و مبانی پدافند غیر عامل، تهران، دانشگاه صنعتی مالک اشتر. نائینی، علی محمد (۱۳۸۹)، درآمدی بر ماهیت شناسی جنگ نرم، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، شماره ۲۸.

نوغانی، محسن؛ اصغرپور ماسوله، احمد رضا (۱۳۸۷)، بررسی تطبیقی رویکردها و شاخص‌های مورد استفاده در سنجش سرمایه اجتماعی، مدیریت و توسعه، انتشارات مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.

نیازی، محسن (۱۳۸۳)، تبیین رابطه بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی شهروندان شهر کاشان، امداد پژوهان، سال دوم، شماره پنجم.

- Buckland, Jerry, (1998), from Relief and Development to Assisted self Reliance: Nongovernmental organization in Bangladesh, Jerry. Buckland @ Vwinn ipeg.ca
- Goulet, Denis, (1995), *Development Ethics, A Guide to Theory and Practice*, London, ned books Ltd.